

نقشه راه مشارکت برای نجات طبیعت

محمد الموتی معتقد است «سند مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست» می تواند پایان بخش مشارکت های سلیقه ای باشد و مسیر همکاری دولت، تشکل ها و شهروندان را شفاف و نظام مند کند

حد زیادی برطرف خواهد شد. آن مشکل، سلیقه ای بودن مشارکت ها بود. در بسیاری از موارد مشخص نبود که مدیران در چه حوزه هایی باید از ظرفیت مردم بهره بگیرند و همین مسئله موجب می شد مشارکت ها گاه محدود یا پراکنده باقی بمانند. اما با ابلاغ این سند، مدیران و کارشناسان سازمان دقیقاً خواهند دانست که در اجرای مأموریت های خود در چه حوزه هایی باید از مشارکت تشکل ها و مردم بهره ببرند. از سوی دیگر، تشکل های مردم نهاد نیز خواهند دانست که در چه حوزه هایی می توانند مطالبه گری کنند و نقش فعال تری ایفا نمایند. به بیان دیگر، این سند در عمل می تواند همچون نقشه راهی برای سامان دهی مشارکت اجتماعی در حفاظت از محیط زیست عمل کند.

نکته مهم دیگر آن است که این سند کارکرد آموزشی قابل توجهی نیز دارد. هنگامی که مردم بدانند در کدام مأموریت ها می توانند مشارکت داشته باشند، حس مسئولیت و تعلق آنها نسبت به محیط زیست افزایش می یابد. از سوی دیگر، با ابلاغ رسمی این سند، امکان اعمال سلیقه های فردی نیز کاهش پیدا می کند؛ به این معنا که همکاری با تشکل ها دیگر صرفاً بر اساس علاقه یا تشخیص شخصی مدیران نخواهد بود. در واقع، این سند می تواند به تدریج زمینه شکل گیری یک جریان ملی در حوزه آموزش، آگاهی رسانی و مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست را فراهم آورد.

• **یکی از نگرانی هایی که در حوزه مشارکت های مردمی مطرح می شود، احتمال سوءاستفاده برخی افراد از این فضا است. آیا در تدوین این سند برای چنین مواردی نیز تدابیری در نظر گرفته شده است؟** این نگرانی قابل درک است. در هر ساختاری ممکن است افرادی تلاش کنند از عنوان مشارکت مردمی سوءاستفاده کنند. با این حال، در تدوین این سند برای چنین مسائلی نیز پیش بینی هایی صورت گرفته است. یکی از بخش های مفصل سند به معاونت آموزش و مشارکت های مردمی اختصاص دارد. در این بخش، افزون بر توسعه مشارکت، موضوع «دیدبانی اجتماعی» و «مطالبه گری» نیز به شکل جدی مورد توجه قرار گرفته است. در واقع در کنار گسترش مشارکت مردمی، سازوکارهای نظارت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. برای نمونه، توسعه سامانه های شفافیت در دستور کار قرار دارد تا تشکل های مردم نهاد بتوانند گزارش های دیده بانی خود را ثبت و منتشر کنند. به بیان دیگر، همان گونه که مشارکت افزایش می یابد، نظارت مردمی نیز تقویت خواهد شد. در حال حاضر بیش از ۱۲ هزار تشکل مردم نهاد در حوزه محیط زیست فعال هستند و نزدیک به دو هزار گروه مردمی نیز در این عرصه فعالیت دارند. افزون بر این، شبکه ای از خانه های محیط زیست نیز در شهرها و مناطق مختلف شکل گرفته است. هنگامی که چنین شبکه گسترده ای در حوزه دیده بانی محیط زیست فعال باشد، احتمال سوءاستفاده به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. البته هیچ سیستمی نمی تواند به طور کامل مانع تخلف شود، اما با تقویت شفافیت و نظارت اجتماعی می توان احتمال بروز چنین مواردی را تا حد زیادی کاهش داد. در این سازوکار حتی شهروندان عادی نیز می توانند در صورت مشاهده تخریب یا آسیب به محیط زیست، گزارش خود را ارائه دهند. همین مسئله سبب می شود حفاظت از محیط زیست از یک وظیفه صرفاً دولتی فراتر رود و به مسئولیتی اجتماعی و فراگیر تبدیل شود.



محمد ابراهیم الله آبادی
روزنامه نگار

مختلف ارسال شود تا در صورت تعریف مأموریت های جدید یا نیاز به اصلاحات، تغییرات لازم اعمال شود. حدود یک ماه پیش نیز در جلسه شورای راهبردی سازمان اعلام شد که این سند تقریباً به مرحله نهایی رسیده است. در مجموع می توان گفت این سند نخستین تجربه در نظام اداری کشور است که طی آن یک نهاد حاکمیتی به شکلی دقیق و جزئی مشخص می کند در کدام حوزه ها می تواند با بخش های غیردولتی برای حفاظت از محیط زیست، احیای منابع طبیعی، آموزش عمومی و ارتقای آگاهی اجتماعی همکاری کند.

• **با توجه به فشارهای گسترده ای که در دهه های گذشته بر محیط زیست کشور وارد شده، فکر می کنید چنین سندی تا چه اندازه می تواند در عمل به حفاظت از طبیعت کمک کند؟**

نکته مهم این است که ما در قانون اساسی دو اصل بسیار مهم در حوزه محیط زیست داریم؛ یکی بند ۸ اصل سوم و دیگری اصل ۵۰. هر دو از قوانین بالادستی کشور به شمار می آیند، اما در طول بیش از چهار دهه گذشته قانون اجرایی مشخصی برای آنها تدوین نشده است. یکی از پیشنهاد های ما این بوده که همان گونه که برای اصل ۴۴ قانون اساسی قانون اجرایی تنظیم شد، برای اصل ۵۰ نیز قانون اجرایی تدوین شود تا موضوع حفاظت از محیط زیست به شکلی عملیاتی و ساختاری در کشور به اجرا درآید. با این حال، فرآیند قانون گذاری معمولاً زمان بر است و ممکن است با موانع گوناگونی نیز مواجه شود. از این رو، یکی از راه هایی که برای پر کردن این خلأ پیش بینی شد، تدوین همین سند مشارکت بود تا دست کم در درون سازمان حفاظت محیط زیست مشخص شود که کدام مأموریت ها می توانند با مشارکت جامعه انجام شوند. اگر این سند به عنوان یک سند رسمی از سوی رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ابلاغ شود، به نظر من یکی از مشکلات جدی که در سال های گذشته وجود داشت تا

حوزه هایی می تواند با جامعه همکاری داشته باشد. منظور از جامعه نیز صرفاً سازمان های مردم نهاد محیط زیستی نیستند، بلکه حتی شهروندان عادی نیز می توانند در این فرآیند ایفای نقش کنند؛ چرا که طبق اصل ۵۰ قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست یک وظیفه عمومی تلقی می شود. بر همین اساس مقرر شد معاونت ها و دفاتر مختلف سازمان مشخص کنند که در انجام مأموریت های خود در چه حوزه هایی امکان مشارکت با مردم وجود دارد. به عبارت دیگر، هر واحد باید توضیح می داد که برای اجرای برنامه های خود با کدام گروه های اجتماعی می تواند همکاری داشته باشد و چه میزان از مأموریت ها قابلیت واگذاری یا انجام به صورت مشارکتی دارند. این فرآیند حدود ۹ تا ۱۰ ماه به طول انجامید و در نهایت سندی نسبتاً مفصل تهیه شد. البته در همان مقطع با شیوع کرونا مواجه شدیم و روند کار متوقف ماند، اما در عمل بخش عمده سند آماده شده بود.

ساختار سند به این صورت است که تمامی دفاتر و بخش های سازمان حفاظت محیط زیست، از ستاد مرکزی گرفته تا واحدهای تخصصی، مأموریت های خود را در قالب جدول هایی مشخص تنظیم کرده اند. در این جدول آمده است که کدام مأموریت ها صرفاً در زمره وظایف حاکمیتی دولت قرار می گیرند و کدام مأموریت ها می توانند با مشارکت مردم انجام شوند. حتی میزان مشارکت نیز مشخص شده است؛ به این معنا که در برخی موارد مشارکت ممکن است در حد یک درصد باشد و در برخی مأموریت ها حتی امکان برون سپاری کامل وجود داشته باشد. این سند در دولت سیزدهم چندان مورد توجه قرار نگرفت، اما با آغاز به کار دولت چهاردهم دوباره در دستور کار قرار گرفت. شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، از این موضوع حمایت کردند و پس از آن اداره کل مشارکت های مردمی سازمان فرآیند به روزرسانی سند را آغاز کرد. به دلیل فاصله زمانی چند ساله، تصمیم گرفته شد متن سند بار دیگر برای دفاتر

در روزگاری که بحران های محیط زیستی در ایران، از خشکسالی های زمین و فرسایش منابع آب گرفته تا تخریب زیستگاه ها، آلودگی هوا و انباشت پسماند، به یکی از گره گاه های اصلی توسعه پایدار بدل شده اند، نگاه ها بیش از گذشته به نقش جامعه در حفاظت از طبیعت معطوف شده است. بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که بدون مشارکت فعال و سازمان یافته مردم، هیچ سیاست محیط زیستی به سرانجام مؤثر نخواهد رسید. در چنین بستری، «سند مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست» به عنوان تلاشی برای عبور از رویکردهای صرفاً دولتی و حرکت به سوی حکمرانی مشارکتی تدوین شده است؛ سندی که می کوشد نقش شهروندان، تشکل های مدنی و گروه های اجتماعی را در کنار دولت تعریف، شفاف و نظام مند کند. محمد الموتی، دبیر شبکه ملی تشکل های محیط زیست و منابع طبیعی، این سند را نخستین تجربه تدوین یک نقشه جامع مشارکت مردمی در یک نهاد حاکمیتی می داند؛ نقشه راهی که اکنون در آستانه نهایی شدن قرار دارد و می تواند مسیر تازه ای پیش روی آینده محیط زیست کشور بگشاید.

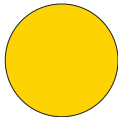
• **به تازگی خبری مبنی بر تدوین سند مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست منتشر شده است. این سند در چه مرحله ای قرار دارد و اساساً با چه هدفی تدوین شده است؟**

این سند در واقع در چارچوب اجرای بند ۸ اصل سوم قانون اساسی تدوین شده است؛ بندی که بر مشارکت مردم در تعیین سرنوشت اقتصادی و اجتماعی کشور تأکید دارد. در سال ۱۳۹۸ پیشنهادی به سازمان حفاظت محیط زیست ارائه کردیم مبنی بر اینکه این سازمان می تواند نخستین دستگاه دولتی باشد که این اصل قانون اساسی را به شکلی عملیاتی به اجرا درمی آورد. پیشنهاد ما این بود که سازمان حفاظت محیط زیست برای تمامی بخش های خود سندی تهیه کند تا مشخص شود هر بخش در چه

“

به گفته کارشناسان، نبود چارچوب روشن برای همکاری با جامعه مدنی یکی از دلایل پراکندگی وضعیت مشارکت های محیط زیستی بوده است

خبر N E W S



احمد رضا لاهیجان زاده

معاون سازمان محیط زیست

جنگ و تهدید زیستگاه های دریایی

تحولات نظامی در خلیج فارس و دریای عمان تنها معادلات امنیتی منطقه را دستخوش تغییر نمی کند؛ بلکه یکی از شکننده ترین و ارزشمندترین زیست بوم های دریایی جهان را نیز در معرض خطر قرار می دهد. این پهنه آبی که از مهم ترین کانون های تنوع زیستی در غرب اقیانوس هند به شمار می رود، در صورت گسترش درگیری های می تواند با موجی از آلودگی های نفتی، شیمیایی و صوتی روبه رو شود؛ آلودگی هایی که آثار برخی از آنها ممکن است برای سال ها و حتی دهه ها باقی بماند.

خلیج فارس و دریای عمان به دلیل ویژگی های خاص طبیعی خود از جایگاه ویژه ای در نظام محیط زیست جهانی برخوردارند. برنامه توسعه سازمان ملل متحد این منطقه را در شمار پنج دریای مهم منطقه ای طبقه بندی کرده و سازمان جهانی دریانوردی نیز آن را در فهرست مناطق دریایی «به ویژه حساس» قرار داده است؛ عنوانی که نشان دهنده ضرورت اعمال مقررات ویژه برای فعالیت های انسانی در این محدوده است.

اهمیت این منطقه تنها به جایگاه بین المللی آن محدود نمی شود. زیستگاه هایی همچون آبسنگ های مرجانی، جنگل های مانگرو، بسترهای علفی و جلبکی، مصب ها و خورها، در کنار نوزادگاه های مهم آبزیان، مجموعه ای که نظیر از اکوسیستم های دریایی را شکل داده اند که نقش حیاتی در پایداری تنوع زیستی و تأمین معیشت میلیون ها نفر در کشورهای ساحلی دارند. سلامت این زیستگاه ها به طور مستقیم با امنیت غذایی و اقتصادی منطقه پیوند خورده است.

با این حال این پهنه آبی در سال های گذشته بر فشار ترکیبی از تهدیدهای انسانی و تغییرات اقلیمی قرار داشته است. توسعه گسترده فعالیت های نفتی، خطوط لوله انتقال انرژی، تردد شناورهای تجاری و نفتکش ها و همچنین وقوع حوادث دریایی، از جمله عواملی بوده اند که پیش از این نیز فشار قابل توجهی بر اکوسیستم های منطقه وارد کرده اند.

در چنین شرایطی، وقوع درگیری های نظامی می تواند این فشارها را به سطحی بی سابقه برساند.

جنگ در محیط های دریایی معمولاً با مجموعه ای از آلودگی های هم زمان همراه است. انفجار در تأسیسات نفتی یا شناورها می تواند به انتشار گسترده مواد نفتی و روغنی در آب منجر شود. علاوه بر آن، مواد شیمیایی و سمی موجود در محموله کشتی ها، ترکیبات موجود در رنگ های ضد خزه بدنه شناورها و عایق های مختلف صنعتی نیز در صورت تخریب تجهیزات وارد محیط دریایی می شوند و زنجیره ای از آلودگی های پیچیده ایجاد می کنند.

پیامدهای چنین رویدادهایی تنها به آلودگی شیمیایی محدود نمی شود. انفجارها، امواج ناشی از تجهیزات نظامی و سامانه های الکترونیکی، و حتی فناوری های مورد استفاده در جنگ های مدرن می توانند آلودگی های صوتی و امواج مختلفی ایجاد کنند که برای بسیاری از گونه های دریایی به ویژه پستانداران دریایی و آبزیان حساس، اختلال های جدی رفتاری و زیستی به همراه دارد.

جامعه مدنی؛ کلید حفاظت پایدار محیط زیست

تدوین سند مشارکت مردمی می تواند رابطه دولت و تشکل های محیط زیستی را بازتعریف کند

و به هم پیوسته روبه رو است؛ بحران هایی که دیگر به یک منطقه یا یک زیست بوم خاص محدود نمی شوند. خشک شدن تالاب ها، کاهش منابع آب، آتش سوزی های مکرر در جنگل ها، چه عمدی و چه غیرعمدی و فرسایش شدید خاک و آلودگی گسترده هوا، تنها بخشی از نشانه های شریاطی است که بسیاری از متخصصان آن را «مرحله هشدار جدی» برای طبیعت کشور توصیف می کنند.

در چنین وضعیتی، بسیاری از صاحب نظران معتقدند یکی از مهم ترین خلأها در سیاست های محیط زیستی ایران، نبود مشارکت مؤثر و سازمان یافته مردم است. در بسیاری از کشورهای جهان، بخش مهمی از فعالیت های مرتبط با حفاظت از محیط زیست توسط سازمان های مردم نهاد، شبکه های داوطلبانه و گروه های محلی انجام می شود. این تشکل ها علاوه بر آموزش و فرهنگ سازی، در نظارت اجتماعی، گزارش تخلفات زیست محیطی، اجرای پروژه های محلی و حتی مدیریت برخی مناطق طبیعی نقش فعال دارند.

بحران های محیط زیستی در ایران از خشک شدن تالاب ها تا گسترش آتش سوزی های جنگلی و تشدید فرسایش خاک به مرحله ای رسیده که بسیاری از کارشناسان آن را زنگ هشدار جدی برای طبیعت کشور می دانند. در چنین شرایطی، یک پرسش اساسی بیش از هر زمان دیگری مطرح می شود: آیا بدون حضور واقعی مردم و تشکل های مدنی می توان از محیط زیست ایران حفاظت کرد؟ تجربه سال های گذشته نشان می دهد مشارکت مردمی در این حوزه یا به حاشیه رانده شده یا گاه به ابزاری برای نمایش های رسانه ای تبدیل شده است. با این حال، مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست از تدوین «سند مشارکت مردمی» خبر داده اند؛ سندی که قرار است چارچوب تازه ای برای همکاری میان دولت و جامعه مدنی ایجاد کند.

• **بحران های درهم تنیده طبیعت** محیط زیست ایران سال ها است با مجموعه ای از بحران های پیچیده

تلاش

برای

احیای

مشارکت

در همین حال، معاون آموزش و مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست از تدوین «سند مشارکت مردمی» خبر داده است؛ سندی که قرار است سازوکار ارتباط میان این سازمان و تشکل های مدنی را ساماندهی کند. کیادابیری در توضیح این موضوع گفته است سازمان حفاظت محیط زیست، با وجود قرار گرفتن در بدنه دولت، ساختاری قانونی دارد که باید دغدغه های اجتماعی را منتقل کند. بر اساس برنامه هفتم توسعه نیز پیش بینی شده است یک درصد از هزینه های جاری شرکت ها به تشکل های مردمی اختصاص یابد؛ موضوعی که می تواند منابع تازه ای برای فعالیت های محیط زیستی فراهم کند. همچنین به گفته این مقام مسئول، تلاش هایی در جریان است تا با همکاری سازمان برنامه و بودجه، اعتباری برای اجرای پروژه های مشترک با انجمن های مردم نهاد در نظر گرفته شود؛ زیرا یکی از ضعف های گذشته، نبود همکاری های پروژه محور و نظام ارزیابی مشخص در تعامل با این تشکل ها بوده است.